

شکل‌گیری ادبیات دفاع مقدس با توجه به تأثیر انقلاب اسلامی

(نمونه موردی؛ آثار منثور نوشته شده در حوزه دفاع مقدس)

کوثر دانش^۱، عبدالحسین فرزاد^۲، احمد خاتمی^۳

چکیده

ادبیات پایداری و دفاع مقدس شاخه‌ای پر بار از ادبیات فارسی بعد از انقلاب اسلامی است که مبتنی بر اصول اسلامی و مقاومت در برابر دشمن متجاوز شکل گرفت. هدف ما جریان‌شناسی ادبی تحول این نوع از ادبیات پایداری طی چهار دهه گذشته است. لذا، ما مبتنی بر چارچوب نظری «جریان‌شناسی ادبی» و استفاده از روش تحلیل تاریخی، تلاش کرده‌ایم با دوره‌بندی سیر تحول ادبیات دفاع مقدس به چهار دوره و بررسی آثار مهم هر دوره، به لحاظ موضوعی و مضمونی، با شناسایی «بسامد برتر» میان آن‌ها، جریان‌های ادبی موجود را شناسایی کنیم. یافته‌های ما نشان می‌دهد جریان ادبی غالب از همان آغاز جنگ تا زمانه حاضر، جریان ادبیات انقلاب اسلامی و دینی است که دارای رویکردی رئالیستی می‌باشد، اما این رویکرد طی چهار دهه گذشته دچار تحولاتی شده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، ادبیات پایداری، ادبیات دفاع مقدس،
جریان‌شناسی، رئالیسم، نانورالیسم

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی تحولی اساسی در بنیادهای نظم کشور، منطقه و حتی جهان ایجاد کرد. آبراهامیان تحولات داخلی را این‌گونه بیان می‌دارد: «علمای سنتی به میدان آمدند؛ علمایی که از «دوران طلایی» اسلام الهام می‌گرفتند، پیروزی خود را با طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین نمودند، محاکم شرع را جایگزین دادگاه‌های موجود کردند و مفاهیم غربی همچون دموکراسی را مفاهیمی الحادی دانستند و مورد انتقاد قرار دادند. در واقع، در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده بی‌همتایی است؛ زیرا نه یک گروه اجتماعی جدید مجهز به احزاب سیاسی و ایدئولوژی‌های غیردینی بلکه روحانیون سنتی مجهز به منبر و مدعی حق الهی در نظارت بر عملکرد همه مقامات غیرروحانی، حتی عالی‌ترین نهاد متشکل از نمایندگان منتخب ملت را به قدرت رساند.» (آبراهامیان ۱۳۹۲: ۶۵۳ - ۶۵۴) می‌توان گفت مهم‌ترین خصیصه انقلاب اسلامی در حضور گسترده و فعال آن‌هایی است که اقشار مختلف اجتماعی داشته‌اند. این تحول، ارتباطی میان دین و سیاست برقرار کرد که می‌توان حکومت را مبتنی بر سیاست‌های دینی اداره کرد. در این میان، «تحولات ادبی حاصل چنین انقلاب و گفتمان انقلابی از اهمیت خاصی برخوردار است و رصد تحولات ادبی به وجود آمده در پی این رخداد، در طول تاریخ چهل‌ساله این انقلاب نیز محل بحث‌های فراوان بوده است.» (ادبیات انقلاب اسلامی ادبیاتی است که حاصل فرهنگ و اندیشه‌ای باشد که به وجود آورنده انقلاب اسلامی ایران بود؛ یعنی ادبیاتی منطبق بر تفکر، جهان‌بینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی.) (اکبری شلدره‌ای ۱۳۸۲: ۱۳۷) به نظر می‌رسد یک انقلاب سیاسی نیز می‌تواند منجر به انقلابی ادبی شود.

بیان مسئله

معمولاً هر انقلابی سه محور بزرگ در حرکت خود را آغاز می‌کند و تحولات عظیمی را در این ارتباط پدید می‌آورد. این سه محور عبارت‌اند از:

الف) بروز حوادث تاریخی و سیاسی، به همراه بروز بحران و دگرگونی سیاسی؛

ب) ایجاد تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

ج) تغییر ایدئولوژی، عقاید و نظام فکری.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ادبیاتی که در حال و هوای انقلاب خلق می‌شود، می‌تواند بیانگر میزان حساسیت‌ها، تنش‌های درونی، دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی و فردی و بحران‌ها باشد. ادبیات انقلاب، سیر تفکر و اندیشه حاکم بر گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را از گذشته تا حال مشخص می‌کند و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ادبیات انقلاب می‌تواند نشان‌دهنده اختلافات و تضادهای میان دو نظام باشد. (شیرازی کامیار ۱۳۸۲: ۱۰) پس هر انقلابی یک تجربه جدید ادبی را به همراه می‌آورد و در امتداد همین تجربه ادبی است که می‌توان چشم‌انداز آن انقلاب را مشاهده کرد و به مرزهای شناخت

آن رسید. ادبیات انقلاب اسلامی، آینه تمام‌نمایی از ارزش‌ها و آرمان‌های بخش مذهبی جامعه ایران است که روشنگر فراز و نشیب‌ها و تجلی‌گاه افکار و احساسات و عواطف آن‌ها است. روشن است همچنان که موج انقلاب به پیش می‌رود، ادبیات انقلاب نیز تجربه‌های تازه‌ای پیدا می‌کند. ادبیات انقلاب اسلامی، ادب ایستادگی و پایداری فرهنگی ملتی است که به مرزهای خودباوری قدم گذاشت و امروز این ادبیات یک حقیقت انکارناپذیر است. (گرگی و سراج ۱۳۹۹: ۱۸۶) بر همین پایه، تحولی که انقلاب اسلامی در ادبیات زبان فارسی ایجاد کرد، نیازمند پژوهش‌های گوناگون و بررسی وجوه مختلف آن است تا بتوان نشان داد این تحول در چه مقیاس و گستره‌ای بوده است. به‌گونه‌ای که از همان آغاز انقلاب اسلامی، هیچ شاخه‌ای از ادبیات زبان فارسی را نمی‌توان یافت که از آن متأثر نشده باشد یا نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

سؤال پژوهش

اصلی‌ترین سؤالات پژوهش حاضر به قرار ذیل است:

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر شکل‌گیری ادبیات پایداری (دفاع مقدس) داشته است؟

ادبیات پایداری دارای چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است؟

ادبیات دفاع مقدس از چه دوره‌ای آغاز و وجوه اشتراک آن با ادبیات انقلاب اسلامی چیست؟

ادبیات دفاع مقدس طی چهار دهه گذشته دچار چه تحولاتی شده است؟

در ادبیات دفاع مقدس چه جریان‌های ادبی را می‌توان شناسایی کرد؟

پیشینه پژوهش

مشکل پژوهش‌هایی از این دست که وجهی نوآورانه و گشودن فضاها و زوایایی کمتر دیده شده در حوزه مورد مطالعه را دنبال می‌کنند، فقدان پیشینه است تا پژوهش‌های بعدی در دنباله آن طرح شوند. لذا، موضوع جریان‌شناسی ادبی در حوزه ادبیات نثر دفاع مقدس، عملاً حوزه‌ای عمدتاً مغفول است که پژوهش‌هایی نظیر این مقاله تلاش می‌کنند تا با ماهیت اکتشافی که دارند فضاهایی جدید بگشایند تا مقدمات پژوهش‌های بعدی فراهم شود. بر همین پایه، در ادامه به برخی پژوهش‌ها، شامل کتاب، رساله و پایان‌نامه و مقاله، درباره ادبیات انقلاب اسلامی، پایداری و دفاع مقدس با محوریت نثر ادبی اشاره می‌کنیم تا وجوه تمایز پژوهش ما با آن دسته آثار روشن‌تر شود.

پارسی نژاد در «جنگی که داشتیم»، ۱۶ اثر از انتشارات صریر درباره جنگ را مورد نقد و بررسی قرار داده است از جمله گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند و سفر به گرای ۲۷۰ درجه. هدف نویسنده این بوده است که هر اثر را با تحلیل ساختاری، ذیل عنوانی خاص از مکاتب ادبی قرار دهد. سنگری در کتاب ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، پژوهشی جامع برای شناخت ادبیات دفاع مقدس ارائه کرده و مباحث نظری و بررسی گونه‌های ادبی دفاع مقدس را نیز مورد توجه قرار داده است. نویسنده با مروی تاریخی به گونه‌های ادبی، سیر تحول، نویسندگان و آثار برجسته در حوزه ادبیات دفاع مقدس پرداخته است. هم‌این نویسنده در ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پیشنهادهایی برای پژوهش و مطالعه،

به مرور ساحت‌های گوناگون ادبیات انقلاب اسلامی (نظم و نثر) و ادبیات دفاع مقدس (نظم و نثر) پرداخته و در هر موقف به تبیین مختصر شاخه‌ها و گونه‌های مختلف آن می‌پردازد. کافی در جستاری در اصطلاح‌شناسی و مبانی ادبیات داستانی دفاع مقدس، با محور قرار دادن عنوان «ادبیات داستانی دفاع مقدس»، ابعاد هویتی و مجاری تعریفی این اصطلاح را تبیین می‌کند و به‌زعم خود به مهم‌ترین شبهه‌های موجود در این زمینه پاسخ داده است.

سرشار در ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی، به تحلیل و بررسی ادبیات داستانی ایران، بعد از انقلاب اسلامی و تبیین قوت‌ها و کاستی‌های آن می‌پردازد. شاکری در جستاری در اصطلاح‌شناسی و مبانی ادبیات داستانی دفاع مقدس، هویت تعیین یافته «ادبیات داستانی دفاع مقدس» را به‌عنوان گونه‌ای خاص و تبیین اصطلاحی و ماهوی آن را موضوع بحث قرار داده است. همچنین در کتاب ادبیات داستانی دفاع مقدس و هویت ایرانی - اسلامی به قلم گروهی از نویسندگان که در دو فصل کلی تنظیم شده است، دفاع مقدس را در نسبت با هویت ایرانی - اسلامی و تحلیل نظریات و راهکارهای علمی - انتقادی تقویت ادبیات داستانی دفاع مقدس و راهکارهای تقویت ادبیات داستانی در حوزه آفرینش را بررسی کرده است.

همچنین به چند مورد رساله و پایان‌نامه و مقاله نیز می‌توان اشاره کرد:

زهره مقدسی در پایان‌نامه جریان‌شناسی رمان‌های دفاع مقدس، به تحلیل آثار شاخص آن جریان‌ها پرداخته است، جریان‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن پرداخته است. زاهدی فر در پایان‌نامه ادبیات زندان و اسارت در سه اثر منثور دفاع مقدس من زنده‌ام، پایی که جا ماند، و ترنم رهایی، ادبیات زندان و اسارت را ذیل ادبیات پایداری قرار داده و به تحلیل محتوایی سه اثر یاد شده در عنوان پایان‌نامه می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که کتاب «پایی که جا ماند» در بهره‌گیری و بیان عناصر ادبیات زندان موفق‌تر عمل کرده است. جعفریان در پایان‌نامه تحلیل و بررسی داستان‌های ضدجنگ در ادبیات دفاع مقدس، به طرح این بحث پرداخته است که جنگ فرصتی در اختیار نویسندگان قرار داد تا نظرات متفاوت خود را درباره انقلاب و جنگ ارائه کنند. مهرآقا در پایان‌نامه «مطالعه مقایسه‌ای نقش زن در ادبیات داستانی دفاع مقدس سه دهه پس از انقلاب اسلامی»، معتقد است پس از انقلاب اسلامی شخصیت زن ارزشی انسانی یافته و از دریچه‌ای نو به آن نگریده شده است. کولایی و حسن پور ایلالی در مقاله بررسی و تحلیل پیدایی و پایایی «نگاه انسانی» در ادبیات داستانی جنگ تحمیلی، به بررسی نقطه آغاز نگاه انسانی به جنگ و سیر رو به تزیاید آن در طول جنگ، سال‌های بعد از آن در ادبیات داستانی جنگ پرداخته‌اند. محمدیان و ششتمدی در مقاله بررسی عنوان کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس تا سال ۱۳۸۱ با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بررسی سرشناسه آثار موجود در حوزه ادبیات دفاع مقدس پرداخته و ضمن تعیین حدود واژگان در عناوین این آثار، سیر تحول و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را برجسته کرده‌اند. سعیدی در مقاله رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ، چهار رویکرد عمده در ادبیات جنگ در ایران را شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها را برشمرده است.

بحث

در پژوهش حاضر با دوره‌بندی بازه زمانی مورد مطالعه (۱۳۵۹ - ۱۳۹۴) و راهبرد تحلیل مبتنی بر «جریان‌شناسی ادبی»، به شناسایی و تحلیل «بسامد برتر» در میان آثار ادبیات نثر دفاع مقدس با توجه به رویکردها، مکاتب و سبک‌های ادبی پرداخته‌ایم و می‌توان تحول ادبیات انقلاب و ذیل آن ادبیات دفاع مقدس را به چهار دوره تقسیم کرد:

۱. دوره انقلاب و جنگ (۱۳۵۷ - ۱۳۶۸)
۲. دوره تجربه‌های تازه و گذار (۱۳۶۸ - ۱۳۸۰)
۳. دوره سوم ادبیات داستانی انقلاب: ظهور و ثبوت (دهه ۱۳۸۰)
۴. دوره چهارم: پیدایش مکتب ادبی انقلاب اسلامی

از این طریق می‌توان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد و نشان داد انقلاب اسلامی چه تأثیری بر ادبیات پایداری با محوریت دفاع مقدس داشته و جریان‌های ادبی موجود در آن کدام‌ها هستند، سرآغاز و تحول آن‌ها چیست و چه ویژگی‌های ادبی دارند.

دوره اول: انقلاب و جنگ (۱۳۵۷ - ۱۳۶۸)

دوره اول که از ابتدای انقلاب تا پایان جنگ را در برمی‌گیرد، در فضای اجتماعی عمدتاً شور و احساسات و شعار بسیار پررنگ است. جامعه و انقلابیون درگیر مسائل انقلاب و سپس جنگ تحمیلی می‌شوند که هنر و ادبیات چندان محل بحث نیست و اگر هم باشد صرفاً آزراری در راستای گفتمان انقلاب است. «وقوع جنگ تحمیلی وحدت حماسی میان مردم و همدلی ملت و دولت با یکدیگر در پی حمله رژیم عراق و اشغال خاک کشور، ایران پس از انقلاب را در موقعیتی بحرانی و پیچیده قرار داد که خود به پیدایی گفتمانی جدید به نام «گفتمان ادبیات انقلاب اسلامی/دفاع مقدس» منجر شد.» (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳) گفتمانی با نویسندگان و اغلب رزمنده که نوشتن را در حکم تکلیف الهی و ادای دین به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌دانستند؛ زیرا نظام جمهوری اسلامی - به‌عنوان نظامی فاقد هر نوع حامی و پشتیبان خارجی - در چنین موقعیتی باید در حوزه فرهنگ و هنر، جبهه تازه‌ای در داخل کشور می‌گشود؛ بنابراین، نویسندگان می‌کوشند آثار ادبی‌شان متناسب با اشعار و داعیه‌های انقلاب اسلامی باشد و با مراجعه به منابع اسلامی، جوهر و ارزش‌های دینی و اسلامی و ارزش‌هایی که باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد در آثار هنری‌شان مطرح شود. (تندرو صالح، ۱۳۷۹: ۸۷ و ۳۰۵) می‌توان این ویژگی‌ها را برای آثار ادبیات انقلاب، پایداری و دفاع مقدس در این دوره برشمرد:

ردیف	ویژگی آثار ادبی انقلاب، پایداری و دفاع مقدس (دوره اول)
۱	احساسات‌گرایی انقلاب
۲	کم‌توجهی به ساختار و توجه به محتوا، موضوع و مضمون
۳	مستندگرایی

۴	مرکزیت ادبیات دفاع مقدس
۵	رشد ادبیات داستانی مذهبی و داستان‌های دینی
۶	آرمان‌گرایی
۷	وجود تعداد فراوانی نویسنده تازه‌کار و نابلد

نویسندگان و آثار ادبی حوزه دفاع مقدس را نیز می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. نویسندگانی که طی هشت سال دفاع مقدس در راستای آشنایی و تماس هرچه بیشتر با مسائل جنگ به منطقه‌های جنگی سفر کرده و در کنار رزمندگان، جنگ را تجربه کردند. بعضی از این نویسندگان به شهادت رسیدند، یا ایثارگر شدند. از شهدای این عرصه می‌توان به شهیدان حبیب غنی پور نویسنده کتاب «عمو سبیدی» و علیرضا شاهی نویسنده کتاب «مادرم آسمان من است» اشاره کرد.
۲. گروهی دیگر از نویسندگان که جزو خانواده شهدا و رزمندگان بودند و برخی از اعضای خانواده آن‌ها در جبهه‌های جنگ یا بمباران شهید و معلول شده بودند. نویسندگانی مانند قاسمعلی فراست، مصطفی خرامان، مصطفی رحمان دوست، احمد محمود و...
۳. نویسندگانی که جنگ را، طی همان دوره جنگ یا بعد از آن، از طریق تصاویر و گزارش‌های صداوسیما و مطبوعات و... شناختند. آن‌ها بدون حضور در جبهه‌ها آثار خود را نوشتند

در حوزه ادبیات دفاع مقدس و به‌ویژه ادبیات داستانی دفاع مقدس، بر پایه پژوهش‌های موجود می‌توان چهار شیوه برخورد با جنگ و دفاع مقدس را شناسایی کرد که می‌توانیم بگوییم هرکدام از این شیوه‌های برخورد، تبدیل به جریانی در ادبیات جنگ با محوریت ادبیات دفاع مقدس شده است. البته جریانهایی دیگر نیز قابل‌شناسایی است و ممکن است برخی از این شیوه‌ها به چند جریان تقسیم شوند. این چهار شیوه برخورد با جنگ و پدیده دفاع مقدس را این‌گونه می‌توان برشمرد: (۱) ثبت وقایع و ارزش‌های جنگ؛ (۲) دفاع مقدس، خلاقیت و اصول زیبایی‌شناسی؛ (۳) جنگ و پاورقی‌های سرگرم‌کننده؛ (۴) نویسندگان حرفه‌ای؛ جنگ در حاشیه.

آن دسته از نویسندگانی که جریان ادبیات دفاع مقدس را آغاز کردند و ذیل گفتمان انقلاب اسلامی که تبدیل به گفتمان غالب سیاسی شده بود، در دیدگاه‌هایشان واقع‌گرایی و واقع‌بینی همراه با آرمان‌گرایی وجود دارد؛ بدین معنی که نویسنده خود را گزارشگر صرف آنچه هست نمی‌داند، بلکه در چینش رویدادهای داستان و سیر علی وقایع در عین حال که به آنچه هست توجه دارد به آنچه باید باشد نظر دارد و آنچه را هست به اعتبار هدایت آن به سوی آنچه باید باشد ملاحظه می‌کند. (حداد عادل، ۱۳۷۳: ۳۵۰) همچنین در این گفتمان، تأکید بر ثبت واقعیت عینی است (تندرو صالح، ۱۳۷۹: ۳۱۱) این آثار از لحاظ هستی‌شناسی، چشم‌اندازی به گستردگی و شمول «عالم غیب» و «عالم شهادت» دارد؛ بنابراین، بروز و ظهور رویدادهای خرق عادت، تصادفی و گاه حتی عدم

انسجام ظاهری رویدادها و سیر علی‌حوادث در این آثار از منطق داستانی دیگری پیروی می‌کند. (وفایی و آتشی پور ۱۳۹۹: ۵۷)

«با شروع جنگ تحمیلی در پایان تابستان ۱۳۵۹، ادبیات داستانی جنگ هم پدید آمد. دگرگون شدن زندگی بر اثر جنگ، مسائل تازه‌ای را در دستور کار ادبیات قرار داد. داستان‌هایی از مجموعه‌های «دو چشم بی‌سو» از «محسن مخملباف» و «مرغ آمین» از «سیروس طاهباز» در سال ۱۳۶۰ منتشر شد. در سال‌های بعد، روند چاپ آثار متأخر از جنگ و تبعات آن شتاب گرفت و تا سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۱۶۰۰ داستان کوتاه، در مجلات و مجموعه داستان‌ها و ۴۶ رمان و داستان بلند انتشار یافت. تقریباً هیچ نویسنده‌ای نسبت به جنگ و پیامدهای آن بی‌تفاوت نماند، برخی در ستایش از حماسه‌آفرینی رزمندگان نوشتند و گروهی مصائب جنگ و تأثیر آن بر زندگی مردم عادی را بازتاب دادند.» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۸۸۹) نویسندگان و آثار اولیه این جریان دو ویژگی عمده داشتند: نویسنده حرفه‌ای نبودند، ولی دارای حس تعهد و مسئولیت نسبت به دفاع مقدس بودند. گفتمان ادبیات داستانی دفاع مقدس در دهه ۱۳۶۰ عمدتاً گفتمان غیرهنری انقلاب اسلامی و مقاومت است و بیشتر سویه‌های شعاری و تهییج مردم در آثار این دوره عیان‌تر است. از اواخر دهه ۱۳۶۰ است که گفتمان انقلاب اسلامی و مقاومت در ادبیات داستانی سویه‌های فنی و هنری را مهم تلقی می‌کند و به سمت بیان هنری‌تر این گفتمان در قالب ادبیات داستانی حرکت می‌کند. از این رو، رمان‌های دوره جنگ تحمیلی در ایران را می‌توان با مؤلفه‌های ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱. اغلب زبان و بافتی ساده و همه‌فهم دارند و معمولاً از زبان هنری و استعاری پرهیز می‌کنند؛ زیرا «یک‌سونگری و مطلق‌اندیشی، حضور مزاحم نویسنده، احساساتی‌شدن، شعار دادن و اهمیت دادن به حادثه‌پردازی به‌جای ترسیم دنیای درونی شخصیت‌ها سبب می‌شود که اغلب داستان‌های پدید آمده در مورد انقلاب از حد خاطره فراتر نرود.» (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۹۳۶).
۲. در زبان و فرهنگ داستان، طنز و عناصر عامیانه‌ای وارد شد که مخصوص جبهه است (قاسم‌زاده و بیگدلی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).
۳. این داستان‌ها بیشتر رئالیست و در پی تصویر واقعیت‌های جنگ و در نتیجه توصیفی ملموس و عینی هستند. لذا قهرمان سازی و آن‌ها به تبعیت از نگاه رئالیستی، چیزی فراتر از واقعیت‌های عینی و بازتاب حقیقات رزمندگان و مردم گرفتار در جنگ نیست (همان: ۱۲۷).
۴. غالباً از ساختار روایی پیچیده پرهیز می‌کنند؛ زیرا «نویسندگان این داستان‌ها، نویسندگان حرفه‌ای نبودند، بلکه می‌خواستند تجربه‌های خود را از حضور در خطوط مقدم به دیگران انتقال دهند. آنان نگران فراموش شدن ارزش‌های جنگ، با شتاب‌زدگی می‌نوشتند و کمتر موفق به خلق جهان داستانی قائم‌به‌ذات با آدم‌های زنده و ملموس می‌شدند و نمی‌توانستند طرز تلقی خود را از ورای ساختار روایی به شکلی غیرمستقیم به نمایش درآورند.» (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۸۹۰).
۵. دگرگونی غالب شخصیت‌های داستان به سوی معنویت و حق و خلق و خوی حاکم بر رفتار آن‌ها بیشتر عرفانی است (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۳۰۷-۳۰۸).

۶. بی‌توجهی به مضامین و اندیشه‌های اسطوره‌ای که نمی‌تواند بی‌تأثیر از جریان انقلاب در ایران باشد. چنانکه سخنان رولان بارت نیز گویای این مدعاست. زبان انقلابی نمی‌تواند مناسب اسطوره باشد. انقلاب از نظر او عملی پالاینده است که هدفش فاش ساختن عملکرد سیاسی جهان است. انقلاب سازنده جهان است و به طور کلی... برخلاف گفتار اسطوره‌ای که در ابتدا سیاسی و در انتها طبیعی است، زبان انقلابی تولیدکننده گفتاری است که از ابتدا تا انتها سیاسی است. از این رو زبان انقلاب از اسطوره دور است.

ادبیات داستانی دفاع مقدس در سال‌های ابتدایی جنگ، علی‌رغم ساده و تبلیغی بودن به دنبال راهی به‌سوی نوعی رئالیسم بومی با تکیه بر عناصر دینی در ادبیات معاصر ایران است (سعیدی، ۱۳۹۵: ۳۵۵) موضوعاتی مانند شهادت، اسارت، موج‌گرفتگی، جانبازی، مهاجرت، بمباران و... از اصلی‌ترین عناصر داستانی این جریان‌های ادبی هستند.

دوره دوم: تجربه‌های تازه و گذار (۱۳۶۸ - ۱۳۸۰)

دوره دوم ادبیات دفاع مقدس یعنی بعد از جنگ، در گفتمان انقلاب اسلامی، با توجه به تحولات سیاسی - اجتماعی که بعد از جنگ رخ می‌دهد این ویژگی‌ها و شاخصه‌ها را پیدا می‌کند: (۱) نگرانی از دست رفتن میراث و ارزش‌های جبهه‌ها، (۲) غفلت و بی‌تفاوتی آفرینندگان حماسه‌ها، (۳) مظلومیت شهیدان و رزمندگان و ارزش‌ها، (۴) نگاه حسرت‌بار و وداع غمگانه با جبهه‌ها و مجاهدان جبهه، (۵) تخطئه (طرح ضعف‌ها و نارسایی‌ها) (سنگری، ۱۴۰۱: ۲۸ - ۳۴) با پایان جنگ و برآمدن گفتمان سازندگی، شاهد بروز تغییرات فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه هستیم. لذا، فراغت از جنگ و مصائب آن، باعث رشد و گسترش نشریات ادبی، جشنواره‌های داستان‌نویسی، ارتقاء کمی و کیفی داستان‌نویسی، افزایش کیفیت کارگاه‌ها، محفل‌ها، کلاس‌ها و... داستان‌نویسی، افزایش ترجمه آثار ادبی به زبان فارسی، آشنایی نویسندگان جوان با الگوهای جدید. (مانند استفان دیکسون، ریچارد براتیگان، ریمون کارور و...) می‌شود. از اواخر دهه ۱۳۷۰ است که مخاطبات ادبیات داستانی با آثار نویسندگانی تجربه‌گرا و تازه کار مواجه می‌شوند مانند احمد دهقان، ابراهیم حسن بیگی، رضا امیرخانی و محمدرضا کاتب. حتی نویسندگانی مانند علی مؤذنی وارد حوزه رمان‌نویسی می‌شوند. محمود گلاب دره‌ای («اسماعیل») را طی این دوره به رشته تحریر درمی‌آورد. نویسندگان این دوره به جریان‌های ادبی مانند مینی‌مالیسم، مرگ مؤلف، رمان معنا باخته و داستان ساختارشکن علاقه‌مند می‌شوند. در این دهه، معناگرایی عمده نویسندگان ادبیات فارسی را دست‌کم در حوزه داستان‌نویسی دچار سر درگمی کرد و برخی را غرق در آشفتگی و تناقض کرد. این مسئله به نویسندگان گفتمان انقلاب نیز سرایت کرد، از همین روست که از دهه ۱۳۸۰ شاهد تلاش‌هایی برای حرکت به سمت فرمالیسم و بقیه جریان‌های نویسندگی و داستان‌نویسی هستیم. «در دهه ۷۰ شاهد نوعی تغییر در نگرش هستیم. رزمندگان از جبهه‌ها بازگشته‌اند. زمان سازندگی فرارسیده است. رزمنده که از جبهه باز می‌شود به شغل قبل خود رجوع

می‌کند یا ادامه تحصیل می‌دهد. گروهی دیگر از رزمندگان که نتوانستند خودشان را با شرایط محیط سازگار کنند، شرایط را هنوز به شدت آرمانی در نظر می‌گیرند یا دچار یک نوع سرخوردگی و افسردگی می‌شوند. این دسته‌بندی بخش عمده قصه‌های دفاع مقدس دهه ۷۰ را تشکیل می‌دهد. (حنیف و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۴) به هر روی، با پایان جنگ، فضایی جدید در جامعه شکل می‌گیرد. جامعه‌ای که به واسطه جنگ فرسوده شده، ویرانی‌ها و محرومیت‌ها باعث می‌شود تا مردم به سمت رفاه، آرامش، نظم و آزادی‌های مدنی گرایش پیدا کنند. از همین رو، فرهنگ و ادبیات نیز محتوایی جدید می‌یابد و از ادبیات جنگ فاصله می‌گیرد. بر همین پایه، دوره دوم ادبیات فارسی با محوریت گفتمان انقلاب، این ویژگی‌ها را داراست: (۱) توجه به ساختار، فرم و صورت، (۲) حضور چشمگیر زنان نویسنده در عرصه ادبیات داستانی ایران، (۳) گرایش به فرم، ساختار و شکل‌های نوین، (۴) روایتگری به زبان ساده و توصیفی، (۵) گرایش به بیان جزئیات و جایگزینی آن با کلی‌نگری، (۶) تقویت گرایش ابژکتیو در مقابل بیان‌های سوژکتیو، (۷) رواج و گسترش مینی‌مالیسم در ادبیات داستانی، (۸) گسترش ادبیات ژورنالیستی، (۹) گسترش ترجمه تئوری‌ها و نظریه‌های ادبی، دیدگاه‌های جدید در عرصه ادبیات داستانی هرچند شتاب‌زده و خام، (۱۰) ظهور ادبیات داستانی تجربه‌گرا.

با پایان جنگ، ادبیات داستانی جنگ ادامه یافت و نویسندگان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن پرداختند. «از این میان عده‌ای نگرش مثبت و عده‌ای نگرش منفی به جنگ داشته و برخی نیز نگاه بینابینی به موضوع و مسائل آن داشته‌اند.» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۹۱ - ۱۹۲) از پایان جنگ تا اوایل دهه ۱۳۷۰ بیش از ۱۱۶۰ داستان کوتاه درباره جنگ تحمیلی در مطبوعات چاپ شد که نویسندگان آن‌ها از طیف‌های مختلف بوده‌اند چه آن‌هایی که در جنگ حضور داشتند و چه آن‌هایی که از دور شاهد آن بودند. در همین زمان نزدیک به ۲۱۰ داستان بلند نیز چاپ شد، ۳۳ رمان و داستان بلند به‌طور مستقیم به موضوع جنگ پرداخته و در ۲۱ مورد دیگر نوعی نگرش حد وسط و بینابینی وجود دارد و فقط ۸ رمان و داستان بلند با موضوع جنگ با دید منفی برخورد شده است. نخل‌های بی‌سر نوشته قاسمعلی فراست، عروج نوشته ناصر ایرانی، سرود مردان آفتاب نوشته غلامرضا عیدان و اسماعیل اسماعیل نوشته محمود گلابدره‌ای، به عنوان نمونه‌های برجسته ژمان مثبت نگر است که شخصیت‌های آن‌ها برای رضای خدا می‌جنگند و همسو با دولت و انقلاب و توده‌های عظیم مردم هستند و مرگ را در این جنگ، شهادت می‌دانند. دفاع از میهن را دفاع از حدود و ثغور ایمان خود قلمداد می‌کنند و حضور در جبهه‌ها را آگاهانه پذیرفته‌اند. رمان‌های باغ بلور نوشته محسن مخملباف و زمین سوخته نوشته احمد محمود از نمونه‌های شاخص رمان‌های بینابینی و تقریباً خالی از جهت‌گیری ویژه مثبت یا منفی است که گاهی غلبه نگرش‌های مثبت و مردمی در آن به چشم می‌خورد. رزمندگان در این داستان‌ها آگاهانه رزم را برمی‌گزینند، دفاع از حریم و حدود خانه و کوچه و خیابان و شهر برای آن‌ها الزامی است. ضمن اینکه در کلیت داستان‌ها نیز می‌توان توجه و تحلیلی به ویرانی‌ها و خرابی‌ها داشت و بی‌آمدهای اجتماعی و تألمات روحی و جسمی را در آدم‌ها یافت که گاهی با نوعی اغراق و بزرگ‌نمایی همراه است. شب زمستان ۶۲ و ثریا در اغما نوشته

اسماعیل فصیح و آداب زیارت نوشته تقی مدرسی و ملخ نوشته جواد مجابی، از نمونه‌های شاخص رمان‌های منفی نگر است که شخصیت‌های آن‌ها اغلب از مرگ می‌ترسند، کمتر با شهادت آشنایند و اهل غارت و فرارند. (همان: ۱۹۲ - ۱۹۳) به عبارتی دیگر، سهم ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس به‌ویژه در دهه ۶۰ و ۷۰، بر دیگر گونه‌های داستانی تفوق و غلبه دارد. تا سال ۱۳۹۰، چاپ حدود ۱۱۶۰ داستان کوتاه درباره جنگ تحمیلی، ۲۱۰ داستان بلند و ۳۲ رمان نشان‌دهنده سهم جدی و مهم داستان دفاع مقدس در ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است. در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰، داستان کوتاه، هم به لحاظ کمی و هم از حیث کیفی، موقعیت و جایگاه بارزتری در ادبیات داستانی عصر انقلاب داشته است و در کنار خلق داستان کوتاه، رمان‌ها و داستان‌های بلند - در دهه هشتاد - داستان کوتاه (مینی مال) چهره نشان داده است.

بومی‌گرایی و توجه به مؤلفه‌های فرهنگ مذهبی، از ویژگی‌هایی است که در غالب آثار نویسندگان دهه چهل به بعد می‌توان مشاهده کرد؛ اما در ادبیات انقلاب، با نوع متفاوتی از بومی‌گرایی روبرو هستیم. کریستف بالایی، پژوهشگر ادبیات معاصر در این باره می‌گوید: «یک پدیده جالب و جدید که به نظر من از انقلاب و از خود انقلاب ایران سرچشمه می‌گیرد، توجه به داخل و توجه به خود است که بیشتر شده است» (رهگذر، ۱۳۸۶: ۳۶)

رمان‌های رئالیستی

در این دوره همچنان تلاش برای تعریف حدود و ثغور و باید و نبایدهای داستان دینی، انقلابی، پایداری و دفاع مقدس ادامه می‌یابد. ادبیات دفاع مقدس در این دهه بیشتر صبغه رئالیستی می‌یابد و از ساحت ایدئولوژیک به ساحت انسانی - انتقادی تمایل می‌یابد. نویسندگان گفتمان انقلاب در این دوره توجه بیشتری به رشد تکنیکی و غنای هنری داستان‌های خود نشان می‌دهند. با دور شدن از فضای پرتنش سال‌های آغازین جنگ و کاستی گرفتن شور و احساس وظیفه‌ای که در مانیفست نویسندگانی نظیر مخملباف وجود داشت، نگاه تکنیکی و توجه به ضرورت‌های فرم در آثار نویسندگان افزایش یافت. بسیاری از نویسندگان دوران جنگ مانند ناصر ایرانی، با اتمام جنگ، جریان ادبیات دینی و دفاع مقدس را رها کردند و به حوزه‌های دیگر ادبیات پرداختند. از میان داستان‌های چاپ شده در دهه ۱۳۷۰، می‌توان به این آثار اشاره کرد: «ریشه در اعماق» ابراهیم حسن بیگی (۱۳۷۳)، «عشق سال‌های جنگ» حسین فتاحی (۱۳۷۳)، «گلاب خانم» قاسمعلی فراست (۱۳۷۴)، «فال خون» داود غفارزادگان (۱۳۷۴)، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان (۱۳۷۵)، «ارمیا» رضا امیرخانی (۱۳۷۴)، «برخورد» محمود اکبرزاده (۱۳۷۶) برای مثال، رمان «ارمیا» نوشته رضا امیرخانی (۱۳۷۴) از لحاظ هدف و نیتی که مورد نظر نویسنده است؛ داستانی رئالیستی است که نویسنده در آن به بیان واقعیات جنگ و احوال رزمندگان، پس از بازگشت آن‌ها از جبهه و جنگ می‌پردازد. (امیرخانی، ۱۳۷۴) «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان (۱۳۷۵) شرح جز به جز رویدادها و وقایع با ارجاع به واقعیت تاریخی جنگ هشت ساله است، تشریح رویدادهایی است که برای خود راوی اتفاق افتاده است اما این حوادث و رویدادها در یک

وسعت مکانی گسترش می‌یابد به طوری که باید گفت رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه رمان رئالیستی درباره یک رخداد تاریخی است (دهقان، ۱۳۷۵) «فال خون» نوشته داود غفارزادگان (۱۳۷۴) با ژانر واقع‌گرای مدرن، با دیدگاه سوم شخص محدود به ذهن شخصیت اصلی (سرباز عراقی) روایت می‌شود. این اثر خواننده را مانند دیگر رمان‌های مدرن با دغدغه‌های درونی و فردی شخصیت آشنا می‌کند؛ بنابراین کانون روایت اثر، بیشتر درونی است و خواننده با واقعیت‌هایی روبروست که بازتاب ذهنی شخصیت محسوب می‌شود. (غفارزادگان، ۱۳۷۴) به هر روی، در دهه ۱۳۷۰ و فروکش التهاب و شعارزدگی انقلابی دهه ۱۳۶۰، داستان‌های ادبیات پایداری، انقلاب و دفاع مقدس انواع بیشتری از موضوع‌ها و مخاطبان را هدف می‌گیرد و تلاش می‌کند بینش خود را در قالب‌های متنوع و جدی تری عرضه نماید. در این دوره، همچنان جنگ و انقلاب مضمون بیشتر آثار گفتمان حاکم را تشکیل می‌دهد؛ با این حال نویسندگان حتی در موضوع‌های پیشین نیز مضمون‌های نو می‌جویند. از جمله نویسنده رمان «ریشه در اعماق»، با احتیاط موضوع شرکت‌کنندگان حاشیه‌ای جنگ را برمی‌گزیند و برای نشان دادن ایمان و رشادت رزمندگان، به سراغ جانبازی بلوچ می‌رود که همه چیز خود را در راه آرمان دفاع از دین و میهن از دست می‌دهد و در عوض ایمانی نویافته و مستحکم دارد که به رستگاری وی منجر خواهد شد. در رمان‌های «عشق سال‌های جنگ» و «گلاب خانم» نیز نویسندگان جنگ را از منظر عشق زنان و مردان شرکت‌کننده در آن دیده‌اند و به‌ضرورت وضعیت جامعه، تلاش کرده‌اند این بار ارزش‌های دینی و مذهبی را به رفتار همسران جانبازان نیز تعمیم دهند. در حقیقت این آثار در بستر زندگی جامعه‌ای پدید آمده‌اند که تلاش می‌کند پس از پایان یافتن جنگ، مقدمات بازگشت کامل جانبازان و آسیب دیدگان آن را به میان مردم فراهم کند و برای این منظور، لازم می‌بیند ارزش‌هایی را که پیش از این عمدتاً منحصر به شرکت‌کنندگان در جنگ بود، به بخش‌هایی از جامعه که آسیب‌های پس از جنگ را به جان می‌خرند نیز تسری دهد. در این ضمن با در نظر گرفتن رشد جمعیتی جامعه، مسائلی نظیر عشق و ازدواج و رویکرد دینی به آن‌ها نیز به مجموعه مؤلفه‌های مورد توجه این جریان وارد می‌شود.

دوره سوم ادبیات انقلاب: ظهور و ثبوت (دهه ۱۳۸۰)

با گذار از دوره پرتلاطم جنگ و آشفتگی دهه ۱۳۷۰، به‌ویژه سال‌های پایانی این دهه، نویسندگان گفتمان انقلاب، پایداری و دفاع مقدس این فرصت و مجال را یافتند تا به بازنگری مسیر طی شده پرداخته و هرکدام به ارزیابی آثار و مسیر طی شده بپردازند. طی این دهه دوباره موجی از ادبیات داستانی و رمان را شاهدیم که مضمون اصلی آن انقلاب است و این امر شاهد ورود به فضایی جدید است. «در دهه ۸۰ که از آن می‌توان به نام عصری یاد کرد که عکس‌العمل به تابوها است، خط قرمزی تقریباً وجود ندارد. درستی و نادرستی در یکدیگر ادغام شده‌اند. رفتارها یا بر اساس عرف انجام می‌گیرد یا افرادی این رفتارها را دیکته می‌کنند. هنرمند سعی می‌کند خط قرمز را بشکند و وارد جبهه‌هایی شود که می‌توان به تسامح از آن به‌عنوان ادبیات فرهنگی نام برد. این رویکرد در ادبیات کودک و نوجوان هم مصداق پیدا می‌کند.» (حنیف و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۴) طی دهه ۱۳۸۰

است که نویسندگانی مانند ابراهیم حسن بیگی، حبیب احمدزاده، امیرحسین فردی، علی مؤذنی، اکبر صحرایی، رضا امیرخانی و... با انتشار آثاری قابل‌تأمل توجهات را به سمت ادبیات گفتمان انقلاب، پایداری و دفاع مقدس جلب می‌کنند. دهه ۱۳۸۰ را می‌توان دهه‌ای پر بار نامید که طی آن شاهد ارائه آثاری در ادبیات داستانی گفتمان انقلاب که برخی از آن‌ها حتی به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شدند. برای مثال، آثاری مانند «شطرنج با ماشین قیامت» و «فال خون» از این دسته آثار تأمل‌برانگیز هستند. از این دوره است که ادبیات انقلاب، به‌ویژه ادبیات داستانی، با شمار بالای این آثار، به مخاطبانی گسترده دست می‌یابد. این آثار عمدتاً مبتنی بر آرمان‌گرایی انقلابی و تعهد اجتماعی هستند. لذا، ویژگی آثار این دوره را می‌توان این‌گونه برشمرد:

الف) آرمان‌گرایی: ادبیات انقلاب از همان ابتدا و حتی در واقع‌گرایانه‌ترین شکل خود نیز آرمان‌گراست، چون بر دین و مبارزه مبتنی است چه در شکل ادبیات انقلاب یا ادبیات دفاع مقدس؛ ب) تعهد: هر نویسنده‌ای به قصد و نیتی دست به قلم می‌برد، لذا تعهد به چیزی دارد. لذا ادبیات انقلاب نیز ادبیاتی متعهد است، تعهد به انقلاب و آرمان‌هایش و سپس تعهد به مبارزه، دفاع مقدس و آرمان‌های دینی آن و بقیه شکل‌های متجلی شده آن؛

ج) مستند و اجتماعی بودن، رشد ادبیات شهری: تقریباً ادبیات گفتمان انقلاب طی این دهه در فضایی شهری و اجتماعی شکل می‌گیرد و ادبیات دفاع مقدس را نیز متأثر می‌کند به‌گونه‌ای که فضای آثار ادبی دفاع مقدس در این دهه از فضای جبهه به شهر منتقل می‌شود و نویسندگان به اتفاقات بعد از جنگ و فضای شهری و اجتماعی توجه بیشتری نشان می‌دهند.

د) هویت: طی این دوره، هویت، با توجه به تحولات جهانی از یک سو و تحولاتی که خود انقلاب ایجاد کرد، مورد توجه عمده و عامدانه نویسندگان قرار می‌گیرد. چراکه، دین، باورها، سنت، قومیت، زبان و... مورد توجه بیشتر قرار گرفته و نوع نگاه نویسنده به زندگی و هستی را متأثر می‌سازد.

ه) تحول مضمونی و محتوایی: با توجه به موارد یادشده و تحولاتی که طی دهه ۱۳۸۰ رخ داد، به تناسب مضامین و محتوای آثار نیز دچار رشد و تحول می‌شوند و حوزه‌هایی جدید را در برمی‌گیرند که نسبت به دوره‌های قبل کم‌سابقه است.

داستان‌های رئالیستی با رگه‌هایی ناتورالیستی

ادبیات داستانی دفاع مقدس در دوره اصلاحات، از نظر ساختار و محتوا دگرگون می‌شود و «به تدریج از سادگی به سوی پیچیدگی و استفاده از سبک‌های نوین داستان‌نویسی غرب از جمله جریان سیال ذهن سوق داده می‌شود. از نظر محتوایی نیز از شعارگرایی و گاه سطحی‌نگری به پیچیدگی پیام و چندصدایی کشیده می‌شود.» (سعیدی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) این قبیل آثار به دلیل بهره‌گیری از فنون داستان‌نویسی، در گروه آثار مدرن و پسامدرن جای می‌گیرند. برخی از آثار واقع‌گرا مانند «عشق سال‌های جنگ»، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «پسران جزیره» که در دوره دوم ادبیات دفاع مقدس یعنی دهه ۱۳۷۰ به این سو خلق شده‌اند، اما از نظر به‌کارگیری صناعات داستانی،

تفاوت بارزی با آثار دوره اول ندارد. هرچند در سال‌های بعد، اغلب نویسندگان دفاع مقدس درصدد به‌کارگیری شگردهای فرانو در آثارشان هستند و به خلق رمان‌های مدرن و پسامدرن تمایل نشان می‌دهند، از آنجایی که واقع‌گرایی جریان‌ی برجسته در حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس محسوب می‌شود، می‌تواند دربرگیرنده هر دو دوره داستان در این حوزه باشد. چه‌بسا آثاری که در دهه ۷۰ و پس از جنگ خلق شده‌اند، اما از نظر به‌کارگیری فنون داستان‌نویسی، ویژگی‌های آثار واقع‌گرا در دوره اول را دارند. (پیروز و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲۰) برای مثال، مجموعه داستان «کانال مهتاب» اکبر صحرائی (۱۳۷۸) و رمان «برخورد» محمود اکبرزاده (۱۳۷۶) نگاه قدسی و ارزشی نویسندگان به جنگ در نیمه دوم دهه ۷۰ و دهه ۸۰ جای خود را به نگاهی واقع‌گرا داد. داستان نویسان در برخی از آثار خود در کنار دلاوری‌ها و ایثار رزمندگان، دشواری‌ها، فجایع و زشتی‌های جنگ را به نمایش گذاشتند. تعدادی به بیان سختی‌ها نیز اکتفا نکرده، به انتقاد از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود کشور در زمان جنگ پرداختند. بی‌پرده‌گویی از خشونت جنگ، اعتراض به وضع موجود، نفی اراده شخصیت‌ها، تأثیر جبر محیط بر انسان و... از مضامینی است که در آثار این دسته از نویسندگان قابل‌مشاهده است. رمان «پل معلق» نوشته محمدرضا پایرامی (۱۳۸۱) که برخی از منتقدین این رمان را کافکایی خوانده‌اند، از آثار مربوط به دفاع مقدس است. یکی از مهم‌ترین آثاری که طی این دوره منتشر شد، رمان «شطرنج با ماشین قیامت» نوشته حبیب احمدزاده (۱۳۸۴) است، البته این رمان سال ۱۳۷۵ نوشته شده بود؛ اما سال ۱۳۸۴ منتشر شد. رمان «شطرنج با ماشین قیامت»، از جمله رمان‌هایی است که ظاهراً نگرشی خوش‌بینانه به جنگ ندارد؛ ولی به لحاظ اینکه مجموعه‌ای از پرسش‌های فلسفی، تاریخی، ایدئولوژیکی، اخلاقی و... را در بستر چرخش زمانی، همراه با زبانی تأویل‌پذیر بیان می‌کند، در شمار رمان‌های «چندآوایی» قرار می‌گیرد. (احمدزاده، ۱۳۸۴) نویسنده تلاش کرده است تا با خلق اثری در حوزه رئالیسم، نگاهی واقع‌گرایانه نسبت به جنگ داشته باشد و با پرهیز از مطلق‌گرایی، حوادث ناشی از جنگ را به صورت خاکستری ببیند.

برخی معتقدند که حتی با رگه‌هایی از «ناتورالیسم» در برخی از آثار، مانند سفر به گرای ۲۷۰ درجه، من قاتل پسرانم هستم، پرسه در خاک غریبه و... مواجه هستیم. هرچند برخی دیگر از صاحب‌نظران، آثاری از این دست را که رویکرد انتقادی و صریح و بی‌پرده می‌یابند، در ردیف آثار ضدجنگ و رئالیستی افراط‌گرایانه قرار می‌دهند که در دسته‌بندی عمومی کارهای مرتبط با این حوزه، تفکیکی معقول است؛ اما وفور تعدادی از شاخصه‌های ناتورالیستی مانند شکستن حرمت قراردادی واژگان، بی‌پرده‌گویی‌های افراطی از زشتی‌ها و خشونت جنگ، توجه بیش از حد به جزئیات و... در این دسته از آثار می‌تواند دسته‌بندی را گسترش داده، به سوی ناتورالیسم سوق دهد. در کنار هم قرار دادن ادبیات دفاع مقدس با رویکردی ارزشی و اعتقادی با ناتورالیسم که بر مبنای دین‌گریزی، نفی مسائل ماورایی و بی‌پرده‌گویی‌های اخلاقی پایه‌ریزی شده، یعنی سازگار نمودن دو مقوله متضاد با هم کاری سخت و طولانی است؛ (بانی مهجور و اکبری، ۱۴۰۰: ۱۲۰-۱۲۱) لیکن نتیجه آن می‌تواند ظهور مضامین تازه و نگرش‌های جدید در این حوزه باشد. آنچه در سیر کلی

این جریان چه در دهه ۱۳۶۰ و چه در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ مشاهده می‌شود تفوق واقع‌گرایی است که در مواقعی و به فراخور زمینه و تحولات اجتماعی - سیاسی، بیان شعارگونه، تند، انتقادی و... می‌گیرد و حتی به ناتورالیسم میل می‌کند که عمده‌تاً این مورد آخر در جریان‌ات ضدجنگ پررنگ است. درنهایت، می‌توان گفت ادبیات داستانی جنگ در دهه ۱۳۹۰ نیز همان مسیر دهه ۱۳۸۰ را ادامه دادند؛ با این تفاوت که در دهه ۱۳۹۰ به نوعی بازگشت به ارزش‌های دوره جنگ و بازگو کردن آن‌ها اتفاق می‌افتد. نویسندگان به دور از نگاه شعاری و حماسی، به بیان ارزش‌ها و شجاعت‌های آن دوره می‌پردازند؛ اما در شخصیت‌پردازی‌ها و آفرینش قهرمانان داستان تجدیدنظر کرده و به جای ساختن شخصیت‌هایی مطلق، به خلق قهرمانانی نسبی با تمام اوصاف انسانی می‌پردازند. به نظر می‌رسد ادبیات داستانی جنگ در دهه ۱۳۹۰، از عریان‌گویی‌ها و بازتاب شدت خشونت جنگ فاصله گرفته و به نگاهی جامع‌تر و کامل‌تر در این زمینه نزدیک شده است. می‌توان ادبیات داستانی این دوره را ادبیات رئال و میانه‌رو دانست که به مجموعه‌ای از مسائل جنگ می‌پردازد؛ به گونه‌ای که گاه حتی از بیان درونیات نادرست برخی از حاضران در معرکه‌ها ایبا ندارد. (خادمی کولابی و حسن‌پور ایلائی، ۱۳۹۸: ۵۲)

پیدایش مکتب ادبی انقلاب اسلامی

از اواخر دهه ۱۳۸۰ به این سو، با توجه به تحولات رخ داده، کسب تجارب گوناگون و... ادبیات انقلاب اسلامی با تمام تجلیاتش اعم از ادبیات پایداری تا دفاع مقدس و... خود را در قالب یک مکتب ادبی نمایان می‌کند که نویسندگان، آثار، رویکردها، جریان‌های و... مختص به خود را دارد. در این دوره است که امور تخصصی دنبال می‌شود: توجه به نقد و نظریه‌پردازی، توجه به آموزش نسل جدید انقلاب، تلاش برای ایجاد رسانه اعم از مکتوب و دیجیتال؛ توجه به بازار نشر. طی این دوره است که نویسندگان دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به پختگی رسیده و از سوی دیگر نسل جدید آموزش‌دیده نیز وارد می‌شود که قالب‌های ادبی را در راستای انقلاب امتحان می‌کنند مانند خاطره‌نویسی ادبی، زندگینامه نویسی داستانی و... از سوی دیگر با نویسندگانی جوان روبرو هستیم که مسیرهایی جدید را می‌پیمایند.

نسل تازه‌ای از نویسندگان جوان طی این دوره کار خود را آغاز کردند ((که به تجربه قالب‌های تازه و آفرینش‌های نوگرایش داشتند. جست و جو برای رسیدن به سبک‌های جدید، گسست از شیوه‌های معمول روایت، گریز از تلقی شایع از واقعیت و تغییر کارکرد زبان و قراردادهای صناعی بروز یافت. این نشر، نثر واقع‌گرایانه دوره پیش را تحت پوشش قرار می‌دهد و بیشتر به دامان ابهام گویی می‌افتد. زبان سرگشته این آثار بیانگر سرگشتگی این نسل در مواجهه با واقعیت است)) (عاملی رضایی، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۶)

تثبیت گونه‌های ادبی ادبیات دفاع مقدس

با ورود به دهه سوم انقلاب اسلامی، ادبیات دفاع مقدس که از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا اواخر دهه ۱۳۷۰ سیری از رشد و تحول را پیموده بود در برخی گونه‌ها مانند ادبیات داستانی، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و... به نوعی بیان و ثبات رسید. در کنار این تحول، گونه‌هایی دیگر از تحول ادبی نیز شکل گرفته یا متحول شد که در خاطره نگاشته‌ها، زندگی‌نامه داستانی، یادداشت‌های روزانه، خاطرات اسارت و... خود را نمایان می‌کند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

الف) خاطره نگاشته‌ها

در ایران، خاطره‌نویسی چندان ناشناخته نیست و در هر دوره و موقعیت تاریخی می‌توان برخی از نمودهای آن را دید؛ اما خاطره‌نویسی به‌عنوان یکی از انواع ادب‌پایداری، معنای اصلی خود را با انقلاب اسلامی پیدا کرد و طی دوران دفاع مقدس بالید. (کمری، ۱۳۸۴: ۶) به‌گونه‌ای که «در عصر انقلاب خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی گسترش فراوان یافته است و نهادهای مختلف برای ثبت خاطرات و بیان خاطرات (خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی) تلاش فراوان داشته‌اند. چاپ صدها کتاب خاطرات انقلاب، خاطرات زندان (ساواک) و از همه مهم‌تر و گسترده‌تر خاطرات دفاع مقدس گواه این اقدام و رویکرد و حساسیت است.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۷۶) جریان خاطره‌نویسی در ادبیات دفاع مقدس، از همان لحظات آغازین استقرار و حضور رزمندگان در مناطق جنگی آغاز شد و در حال حاضر نیز ادامه دارد. در میان مجموعه خاطرات جنگ برخی سه شکل را در آن شناسایی کرده‌اند که بر آن مبنا می‌توان به پژوهش پرداخت: ۱) خاطراتی که در نشریات ادواری (مجله‌ها و روزنامه‌ها) منتشر شده است؛ ۲) کتاب‌هایی که در بردارنده مجموعه خاطرات رزمندگان و یا یکی از آن‌هاست؛ ۳) حجمی انبوه خاطرات موجود در مرکز اسناد و آرشیو نهادهای انقلاب اسلامی که از طریق مصاحبه شفاهی، گردآوری دفترچه‌های یادداشت و... فراهم آمده است (کافی، ۱۳۸۹: ۲۰۱) ذکر این نکته نیز لازم است که خاطره نگاشته‌های حوزه ادبیات دفاع مقدس، مبتنی بر رخداد‌های جنگ و دوران اسارت هستند؛ و وجوه زیبایی‌شناختی در این آثار چندان نمود ندارد؛ لذا زبان نگارش و بیان در اغلب این خاطره‌ها ساده و روان و حتی نزدیک به زبان گفتار است. به عبارتی دیگر، «زبان و بیان خاطره نگاشته‌ها و به طور کلی وجوه بیرونی این آثار، نه از طریق دانش تحصیل کلاسیک و پذیرش الگوهای خاص، بلکه در نتیجه طبیعی بازتاب رخداد‌های جنگ و جبهه در ذهن نگارندگان خاطرات و توانایی شخصی آنان شکل گرفته است... بیشتر نگارندگان چنین آثاری، به مثابه هنرمندان و نویسندگان، با آگاهی قبلی و علم به ویژگی‌ها و چگونگی نگارش انواع مکتوبات ادبی اقدام به نوشتن خاطرات خود کرده‌اند و حتی چنین ادعایی هم نداشته‌اند.» (کافی، ۱۳۸۹: ۲۰۳)

تعداد کتاب‌های چاپ شده خاطره تا سال ۱۳۸۸ به حدود دو هزار اثر رسید. (سنگری، ۱۴۰۱: ۳۵ - ۳۶) آثار مهم در این گونه، این‌ها هستند: «خاک‌های نرم کوشک» سعید عاکف (۱۳۸۷)، «دا» سیده زهرا حسینی (۱۳۸۷)، «شنام» کیانوش گلزار راغب (۱۳۹۰)، «نورالدین پسر ایران» نورالدین

عافی (۱۳۹۰)، «من زنده‌ام» معصومه آباد. (۱۳۹۲)، «آن بیست‌وسه نفر» احمد یوسف زاده (۱۳۹۳)، «فرنگیس» مهناز فتاحی (۱۳۹۴)، «حرمان هور» علی‌رضا کمبری (۱۳۹۴)، «وقتی مهتاب گم شد» حمید حسام (۱۳۹۴)، «حوض خون» فاطمه سادات میرعالی (۱۳۹۹) و ...

ب) زندگینامه داستانی

یکی از جریان‌های نو و موفق ادبیات دفاع مقدس زندگینامه داستانی است. زندگینامه داستانی؛ تلفیق زندگینامه (واقعی) با داستان و عناصر داستانی است؛ یعنی زندگینامه در بستر و یا ظرف داستان عرضه می‌شود. از نمونه‌های زندگینامه غیرداستانی «در کمین گل سرخ» و مجموعه «نیمه پنهان ماه» را می‌توان نام برد. از نمونه‌های موفق زندگینامه داستانی «سفر سرخ»، «همیشه رفیق»، «سال بازگشت» و مجموعه «قصه فرماندهان» قابل ذکر است. همچنین، «پیغام ماهی‌ها» گل علی بابایی (۱۳۹۴) و «مرد» داوود امیریان (۱۴۰۰).

ج) یادداشت‌های روزانه

رزمندگان رویدادهای روزانه را ثبت و ضبط می‌کردند. گاه نیز یادداشت‌های مختصر روزانه را بعدها گسترده‌تر نگاشتند که به آثار مهم و اسنادی معتبر تبدیل شد. یادداشت‌های روزانه زبانی صمیمی، روان و روشن دارند و از منابع و اسناد دفاع مقدس محسوب می‌شوند. (سنگری، ۱۴۰۱: ۳۹) نویسندگان این حوزه تلاش کردند با بهره‌گیری از این نوع ادبی، فرهنگ، فضا و شرایط حاکم بر جبهه و جنگ و بعدتر، اسارت را نمایان سازند. این‌گونه از ادبیات جنگ را در ادبیات جهان با عنوان ادبیات «بازداشتگاهی یا اردوگاهی» می‌شناسند. آنچه یادداشت روزانه نویسی را از گونه‌های دیگر مانند خاطره‌نویسی و زندگینامه نویسی متمایز می‌کند، ثبت رخدادها با جزئیات و با فاصله‌ای اندک از آن رخداد است. «یادداشت‌های روزانه به‌ویژه اگر متعلق به کسی باشد که در حادثه‌های مهم حضور داشته است ارزش تاریخی نیز می‌یابند.» (سنگری، ۱۳۹۲: ۹۱) یکی از جالب‌ترین آن‌ها که شرحی دقیق از وقایع می‌دهد همان یادداشت روزانه است با موضوع اسارت در جنگ. برای مثال، کتاب پای که جا ماند نوشته سید ناصر حسینی پور (۱۳۹۰) شرحی دقیق از وقایع اسارت در جنگ ایران و عراق است.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه از جریان‌شناسی در حوزه ادبیات دفاع مقدس بحث کردیم، این مقاله تلاشی بود برای جریان‌شناسی ادبیات نثر دفاع مقدس. بر همین پایه، پیدایش و تکوین ادبیات نثر دفاع مقدس را در قالب جریان‌های گوناگون ادبی طی دهه‌های ۱۳۶۰، ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار دادیم. چون موضوع مطالعه ما ادبیات دفاع مقدس در ایران معاصر است، این نوع از ادبیات ذیل ادبیات پایداری یا مقاومت قرار می‌گیرد که متأثر از انقلاب اسلامی است. ادبیات مقاومت نوعی از ادبیات است که از تقید فکری، اعتقادی، مقاومت و پایداری مردمان در برابر دشمنان و معاندان حکایت می‌کند. در نتیجه، چون ادبیات جنگ در ایران با آغاز حمله عراق به ایران پدید آمده

است و ملت ایران به مقاومت در برابر دشمن متجاوز پرداخته است ادبیات دفاع مقدس را نیز ذیل ادبیات پایداری دسته‌بندی می‌کنند. ادبیات دفاع مقدس بازتاب دهنده هشت سال جنگ تحمیلی با پیامدهای آن است و عمدتاً بر ویژگی‌های دفاعی و دینی تأکید دارد. درون ادبیات دفاع مقدس، می‌توان جریان‌هایی گوناگون را مشاهده کرد که هرکدام دارای رویکردهای متفاوت هستند؛ اما گفتمان غالب در ادبیات دفاع مقدس، ادبیاتی است که برآمده از انقلاب اسلامی است.

ادبیات پایداری و دفاع مقدس، طی تحول چهار دهه‌ای که داشته است، جریان‌ها و گونه‌های ادبی را شکل داده است به برخی از آن‌ها اشاره کردیم. جریان ادبی غالب از همان آغاز جنگ تا زمانه حاضر، جریان ادبیات انقلاب اسلامی و دینی است که دارای رویکردی رئالیستی می‌باشد، اما این رویکرد طی چهار دهه گذشته دچار تحولاتی شده است. طی دهه دوم انقلاب و با پایان جنگ، توجه به مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی در حوزه ادبیات دفاع مقدس بیشتر شد و به سمت نوعی رئالیسم انتقادی حرکت کرد که ضمن بازنمایی تحولات جنگ، به مسائل اجتماعی بعد از جنگ نیز می‌پرداخت و مطابق اصول دینی که از انقلاب اسلامی گرفته بود به نقد این مسائل نیز توجه نشان می‌داد. طی دهه بعد و توجه به نظریه‌های ادبی و افزایش ترجمه‌ها، رگه‌هایی ناتورالیستی نیز در این بازنمایی رئالیستی شکل گرفت. از دهه ۱۳۹۰ است این رویکرد رئالیستی به سمت بازنمایی خاطره‌ها و تجربه‌های جنگ و اسارت حرکت می‌کند و از وجوه ادبی آن کاسته می‌شود. برخلاف مدعای نویسندگانی مانند زهرا مقدسی (۱۳۹۴) که با خلط میان ادبیات جنگ و ادبیات دفاع مقدس، به شناسایی سه جریان پیشامدرن، مدرن و پسامدرن در ادبیات دفاع مقدس پرداخته و نتیجه گرفته است که جریان پیشامدرن بر بازنمایی واقع‌گرایانه جنگ تمرکز دارد، جریان مدرن وجه ذهن‌گرایانه داشته و بیشتر به تأثیرات و تبعات جنگ می‌پردازد و جریان پسامدرن عناصر هستی‌شناسانه را برجسته و کارکردی ایدئولوژیک دارد، باید گفت که این سه جریان در ادبیات جنگ در ایران قابل‌شناسایی است نه در ادبیات دفاع مقدس. از همین رو، جریان غالب ادبیات دفاع مقدس همان رئالیسم مبتنی بر اصول اسلامی است که طی تحول خود رگه‌هایی انتقادی و ناتورالیستی نیز می‌یابد.

منابع

- کتاب‌ها
- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۹۲)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
 - احمدزاده، حبیب، (۱۳۸۵)، شطرنج با ماشین قیامت، تهران: سوره مهر.
 - اکبری شلدره‌ای، فریدون، (۱۳۸۲)، درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - تندرو صالح، شاهرخ، (۱۳۸۲)، ادبیات جنگ و موج نو مباحثی پیرامون روشن‌شناسی نقد ادبیات جنگ در ایران، تهران: چاپ فرهنگسرای پایداری.
 - _____، (۱۳۷۹)، گفت‌مان سکوت: مجموعه گفتگو پیرامون مسائل عمومی ادبیات داستانی، تهران: شفیعی.
 - تسلیمی، علی، (۱۳۹۰)، نقد ادبی، تهران: کتاب آمه.
 - حسن بیگی، ابراهیم، (۱۳۸۴)، رمان‌های جنگ، تهران: مهر تابان
 - حنیف، محمد و محسن حنیف، (۱۳۸۹)، کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، تهران: صریر.
 - حنیف، محمد، (۱۳۸۶)، جنگ از سه دیدگاه: نقد و بررسی بیست رمان و داستان بلند جنگ، تهران: صریر.
 - رهگذر، رضا، (۱۳۷۰)، نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ، تهران: حوزه هنری.
 - سنگری، محمدرضا، (۱۴۰۱)، ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
 - _____، (۱۳۹۲)، ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تهران: پژوهشگاه دفاع مقدس.
 - _____، (۱۳۹۲)، ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پیشنهاد برای پژوهش و مطالعه، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
 - سعیدی، مهدی، (۱۳۹۵)، ادبیات داستانی جنگ در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
 - شوالیه، ژان و گریبان‌الن، (۱۳۸۴)، فرهنگ نمادها (۳ جلدی)، نگاهی دوباره و افزوده ها، مترجم: سودابه فضایی، کتاب سرای نیک.
 - غفارزادگان، داود، (۱۳۷۵)، زخمه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
 - _____، (۱۳۷۴)، فال خون، تهران: سوره مهر.
 - کافی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
 - کمری، علیرضا، (۱۳۸۳)، با یاد خاطره (ج ۱)، درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران، تهران: سوره مهر.
 - کمری، علیرضا، (۱۳۸۱)، یاد مانا (پنج مقاله درباره خاطره‌نویسی و خاطره نگاشته‌های جنگ و جبهه)، تهران: سوره مهر.
 - گرجی، مصطفی و سید علی سراج، (۱۳۹۹)، جریان‌شناسی نثر معاصر ایران، تهران: سمت.
 - میرعابدینی، حسن، (۱۳۷۷)، صدسال داستان‌نویسی ایران، ج ۳، تهران: چشمه.
 - _____، (۱۳۸۶)، صدسال داستان‌نویسی ایران، ج ۴، تهران: چشمه.
- مقالات
- بانی مهجور، محبوبه و منوچهر اکبری، (۱۴۰۰)، «نمود مؤلفه‌های ناتوالیستی در آثار داستانی دفاع مقدس (مطالعه موردی: «زمستان ۶۲» و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»)»، فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره شصت و سوم، صص ۱۱۷ - ۱۳۹.

- بیگدلی، سعید و سید علی قاسم‌زاده، (۱۳۸۹)، «عمده‌ترین جریان‌های رمان‌نویسی معاصر در انعکاس روایت‌های اسطوره‌ای»، مطالعات داستانی، سال اول، شماره اول، صص ۷۷-۵۲.
- پیروز، غلامرضا و مهدی خادمی کولایی و حسین حسن‌پور آلاشتی و زهرا مقدسی، (۱۳۹۲)، «تحلیل چند رمان واقع‌گرا در عرصه دفاع مقدس (با تکیه بر سه رمان زمین سوخته، ترکه‌های درخت آلبالو و سفر به گرای ۲۷۰ درجه)»، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره بیست و نهم، صص ۵۷-۸۷.
- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۷۳)، «سخنی پیرامون ماهیت ادبیات انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سمت، صص ۳۴۷-۳۵۴.
- خادمی کولایی، مهدی، حسن‌پور ایلالی، نسیم، (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل پیدایی و پایایی «نگاه انسانی» در ادبیات داستانی جنگ تحمیلی»، نشریه ادبیات پایدار، سال یازدهم، شماره بیستم، صص ۳۳-۶۰.
- سعیدی، مهدی، (۱۳۸۵)، «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره هفتم، صص ۲۱-۳۶.
- سعیدی، مهدی، (۱۳۸۷)، «ادبیات جنگ و تعابیر دیگر آن در ایران»، کتاب ماه ادبیات شماره ۲۲، پیاپی ۱۳۶، صص ۷۶-۷۹.
- شیرازی، کامیار (۱۳۸۲) رابطه دوسویه ادبیات و انقلاب، چاپ شده در ادبیات داستانی دی و بهمن ۱۳۸۲ شماره ۷۵ و ۷۶
- وفایی، عباسعلی و مرضیه آتشی پور، (۱۳۹۹)، «تنازع گفتمانی گفتمان روشنفکری و گفتمان سیاسی در تعیین مؤلفه‌های ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی با تکیه بر ادبیات جنگ/دفاع مقدس»، متن پژوهی ادبی، سال ۲۴، شماره ۸۳، صص ۳۹-۷۰.

